مطالعات اسلامی: *تاریخ و فرهنگ*، سال چهل و پنجم، شمارهٔ پیاپی ۹۱،
پاییز و زمستان ۱۳۹۲، ص ۱۰۸-۸۹

بازکاوی روش فقهی محقق حلی در استناد به سیره رسول خدا (ص)*

دکتر منصور داداش نژاد/ استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه[۱]
مرضیه سادات هاشمی/ دانش آموخته کارشناسی ارشد تاریخ اسلام جامعة الزهراء[۲]

چکیده

سیره رسول خدا (ص) علاوه بر کاربرد در عرصه های مختلفی چون اخلاق و تاریخ، در دانش فقه نیز مورد استفاده قرار گرفته و در برداشتهای فقهی به آن استناد می شود. میزان اعتبار گزارشهای مندرج در کتب سیره نزد فقیهان و قواعد و روش استناد ایشان به گزارشهای کتب سیره، موضوعی است که کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. نوشته حاضر در صدد است با بررسی موارد استناد محقق حلی (د. ۶۷۶ ق)، به سیره رسول خدا (ص)، روش فقهی وی در بهره گیری از سیره نبوی را روشن نماید.از این رو با مراجعه به آثار برجای مانده از محقق حلی به ویژه دو کتاب *شرایع الاسلام* و *المعتبر*، موارد استناد وی به سیره نبوی را استخراج و مورد تحلیل روشی قرار داده است. محقق حلی در بررسی موشکافانه رفتارهای گزارش شده در باره رسول خدا (ص) توانسته تنها به برخی از آنها اعتماد و اتکا نماید و این به جهت تردید محقق در صدور روایات و میزان دلالت و اعتبار آنچه به عنوان سیره پیامبر مطرح شده، بوده است. قواعد اصولی به کار گرفته شده از سوی محقق حلی برای احراز سیره صحیح پیامبر، پذیرش بیشینه آنچه به عنوان سیره پیامبر شناخته می شود را برای وی دشوار و غیر قابل استناد ساخته است. رویکرد حداقلی وی به گزارشهای دانش سیره، از همین منظر قابل تحلیل و ارزیابی است.

کلید واژه‌ها: روش فقهی، سیره رسول خدا (ص)، محقق حلی، *شرایع الاسلام*، *المعتبر*.

*. تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۱۰/۲۰؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۳/۰۵/۱۴

1 . Email: m.dadash@yahoo.com
2 . Email: ms.hashemi62@gmail.com

مقدمه

نجم الدین جعفر بن حسن بن یحیی معروف به محقق حلی (د. ۶۷۶ ق) از فقها و دانشمندان بزرگ شیعه است که در سال ۶۰۲ ق در حله از شهرهای عراق چشم به جهان گشود و از محضر اساتید بزرگی چون پدرش شمس الدین حسن حلی و ابن نمای حلی(د.۶۴۵) بهره برد. او در مدرسه فقهی حله رشد کرد و از جمله پیروان شیخ طوسی (د.۴۶۰ ق) بود که مکتب خود را با جمع عناصر قوام دهنده مکتب متکلمان و مکتب اهل حدیث، بنیان نهاد(مدرسی طباطبایی،۳۰). میانه روی و پیروی او از شیخ طوسی در نحوه برخوردش با خبر واحد نمایان است.[1] او نه چون اهل حدیث هر خبر واحدی را حجت می دانست و نه چون متکلمان، هر خبر واحدی را رد می کرد. بلکه خبر واحدی را که قرائنی بر صحتش وجود داشت و عالمان دینی به آن عمل کرده بودند، می پذیرفت و خبری را که علماء از آن اعراض کرده و یا شاذ بود، رد می کرد (محقق حلی، *المعتبر*، ۲۹/۱).

محقق حلی و دیگر شاگردان مکتب حله، اقدامات نوگرانه ای همچون: تنظیم ابواب فقهی؛ تألیف کتاب در فقه مقارن؛ توجه به جایگاه عقل در استنباط مسائل فقهی؛ تبیین مجدد مسأله اجتهاد و رده بندی احادیث را از خود به یادگار گذاشتند (پاکتچی، ۸/ ۴۵۳).

محقق حلی آثاری در فقه، اصول فقه، منطق و رجال از خود به یادگار گذاشت. آثار منتشر شده محقق حلی، هفت اثر به شرح زیر است:

۱.*شرایع الاسلام فی مسائل الحرام و الحلال* ۲.*المختصر النافع* که اختصار کتاب پیشین است و دارای شروح فراوانی از جمله *المهذب البارع* ابن فهد حلی(د.۸۴۱ ق) است ۳.*المعتبر فی شرح المختصر* که شرح گونه ای بر کتاب پیشین است ۴.*نکت النهایه* که حواشی محقق حلی بر *نهایه* شیخ طوسی (د.۴۶۰ ق) است ۵.*معارج الاصول* ۶.*المسلک فی اصول الدین* ۷.رسائل محقق حلی که یک بار با عنوان *الرسائل التسع* چاپ شده که در بر دارنده نه رساله است و بار دیگر با عنوان *رسائل المحقق الحلی* شامل دوازده رساله.

از میان آثار محقق حلی دو کتاب وی با عنوان *شرایع الاسلام* و *المعتبر* از جمله مهمترین

۱.شیخ طوسی، در کتاب *العده فی اصول الفقه*، عنوانی را به خبر واحد اختصاص داده «فیذکرالخبرالواحدوجملةمن القول في أحكامه»و آراء و دیدگاههای خود را به صورت مبسوط در آنجا بیان کرده است. طوسی (*العده فی اصول الفقه*، ۹۷/۱، ۱۰۰) خبر واحد را به شرط آن که راوی خبر از طایفه شیعه امامیه بوده و متصف به صفاتی چون عدالت و سایر اوصاف معتبره باشد، می پذیرد.

آثار برجسته فقهی وی به شمار می روند که اولی فقه فتوایی و دومی فقه استدلالی است[۱]. کتاب *شرایع الاسلام* برآیند مطالعات فقهی مکتب حله و در بر دارنده ابتکارات آن مکتب است که از زمان نگارش، پیوسته مورد توجه محافل علمی واقع شده و بیش از صد شرح و حاشیه بر آن نگاشته شده است (آقا بزرگ طهرانی،۴۷/۱۳، ۳۱۶). این کتاب به دلیل نظم و ترتیب کم‌نظیر فروعات فقهی و دقت و شیوه بی‌نظیر در طرح مباحث از جایگاه خاص و رتبه والایی برخوردار است. مباحث فقهی در چهار قسمت عبادات، عقود، ایقاعات و احکام دسته‌بندی شده و سپس هر کدام از این چهار قسمت که به صورت کتاب‌های مستقلی هستند به فصول، مقدمات، انظار و اطراف تقسیم شده و در مجموع همه مباحث فقهی در یک شبکه منظم، تدوین و عرضه شده است. ترتیب احکام در این کتاب به گونه‌ای است که ابتدا احکام واجب، سپس مستحب، بعد از آن مکروه و در نهایت حرام بیان می‌شود.

کتاب *المعتبر فی شرح المختصر* نیز به همان ترتیب *شرایع الاسلام*تدوین شده است با این تفاوت که این کتاب فقه استدلالی است و محقق مسیر خود در رسیدن به حکم شرعی را بیان کرده است،[۲] بر خلاف کتاب *شرایع* که تنها به ارائه دستاوردها و فتاوای خویش بسنده کرده است.

۱.جایگاه سیره پیامبر (ص) در آثار محقق حلی

محقق حلی در آثار خود برای استنباط احکام به سیره و سنت رجوع کرده و این مطلب در جای جای کتابهای فقهی وی خود را نشان می دهد زیرا کلماتی چون: روی، روایه، مروی، فی الاخبار و.... در آثار فقهی وی واژگانی پر بسامد است[۳] که نشان از رجوع او به سیره و سنت

---

۱. کتابهای فقه فتوایی که شرایع الاسلام محقق حلی در شمار آنهاست، بدون پرداختن به هر گونه استدلال یا آوردن اقوال دیگران یا ذکر مصادیق، به آراء برگزیده اکتفا می کنند همانند رساله های عملیه در عصر حاضر، اما در کتابهای فقه استدلالی مانند المعتبر و جواهر الکلام، ضمن آوردن ادله و بررسی مناقشات صورت گرفته، به تقویت نظر برگزیده اقدام می شود، در فقه استدلالي، فرایند استنباط حکم شرعی بیان می شود.

۲.محقق حلی در سر تا سر کتاب معتبر به روش فقه استدلالی مسیر استنباط احکام را پیموده است برای نمونه در آغاز کتاب که بحث را با طهارت آبها آغاز می کند، ابتدا معنی طهارت را در لغت و اصطلاح شرع توضیح می دهد، سپس با آوردن روایتی دامنه طهارت را مشخص ساخته و نظر خود را در باره این واژه بیان می کند (فالاقرب ان یقال هی اسم للوضوء و الغسل و التیمم علی وجه له تاثیر فی استباحة الصلاة) و در ادامه سراغ واژه «طهور» رفته و نظرات دیگران را در این باب بیان می کند و به استناد لغت نویسانی چون جوهری، طهور را آنچه به وسیله آن طهارت پدید آید معرفي مي کند (محقق حلی، *المعتبر*، ۱/ ۳۵).

۳. برخی ارجاعات مربوط به واژه های یاد شده در کتاب *شرایع الاسلام* بدین شرح است: روی:۲۰۷/۱، ۲۲۲، ۲۵۷، ۲۶۳، ۲۶۸؛ روایه: ۶۵/۱، ۷۴، ۸۲، ۸۵، ۱۸۶؛ مروی: ۱۱۱/۱، ۱۴۰؛ ۵۳/۲، ۲۵۵، ۲۷۱؛ فی الاخبار: ۲۸۳/۱؛ ۱۵۸/۳؛ ۳۸/۴، ۱۲۲، ۱۴۰، ۱۸۲.

نبوی و معصومان(ع) می کند. او در برداشتهای فقهی خود به دو دسته آثار مرتبط با پیامبر توجه داشته است. احادیثی که بازگو کننده سنت پیامبر است و اخباری که سیره ایشان را یاد می کند.

سنت پیامبر: سنت مجموعه ای از سخنان، کردار یا تقریر منسوب به ایشان است که به قصد تشریع صادر شده است (سعدی ابوحبیب، ۱۸۴). سنت به این معنا در فقه جایگاه بسیار مهمی دارد زیرا به لحاظ گستردگی و غنای محتوایی از مهم ترین مصادر فقهی است و پس از قرآن، دومین منبع تشریع و استنباط احکام شرعی، شارح اجمال قرآن، تخصیص دهنده بعضی احکام عام آن و به عنوان منبع قانونگذاری به شمار می رود. سنت به معنای یاد شده شامل واجبات، محرمات، مستحبات و مکروهات است. البته دامنه شمول سنت همیشه گستره یاد شده را ندارد چنانکه گاه به رفتار مستحبی از رسول خدا(ص) که بر آن مداومت داشته نیز اطلاق شده است (شریف مرتضی، ۲۷۳/۲).

سیره پیامبر: سیره به معنی راه و روش است و سیره نبوی به مجموعه ای مشتمل بر تاریخ زندگی رسول خدا، غزوات ایشان و دیگر رخدادهای مرتبط با آن حضرت اطلاق می شود (تهانوی، ۹۹۸/۱). بنابر این تعریف، سیره، عامتر از سنت است وشامل ابعاد تاریخی زندگی پیامبر که مربوط به امور دنیوی بوده و قصد تشریع در آن لحاظ نشده نیز می شود، با این تعریف سیره پیامبر، مجموعه ای از تاریخ و حدیث(سنت) است.

۱-۱.کاربرد سنت نزد محقق حلی

واژه سنت و مشتقات آن بارها در آثار فقهی محقق حلی به کار رفته و دو معنی از آن اراده شده است:

اول؛ معنای عام سنت که برابر با مطلق روش پسندیده دینی است و نوع حکم (وجوب، حرمت، استحباب و کراهت) در آن لحاظ نشده است. سنت بدین معنا در کنار کتاب خدا به کار رفته و معادل سیره است. نمونه ها در کتاب شرایع بدین شرح است:

کسی که بنا بر کتاب خدا و سنت پیامبرش ازدواج کند، مهریه اش۵۰۰ درهم خواهد بود زیرا که مهریه همسران رسول خدا همین میزان بوده است(محقق حلی، *شرایع*،۲۶۸/۲) محقق اشکالی در قرار دادن مهری بالاتر از مهر سنت نمی بیندو تنها مهریه بالاتر از ۵۰۰ درهم را

مکروه می شمرد(همان،۲۶۹/۲،۲۶۸)؛ طلاق سنت در مقابل طلاق بـدعت[1] قـرار دارد و شـامل طلاق بائن و رجعی و طلاق عده می شود(همان،۱۵/۳-۱۳)؛ در خرید و فروش بایـد جـنس و قیمت کالا مشخص بوده و نباید مخالف کتاب و سنت باشد(همان،۲۷/۲)؛ تمام آنچه مـولی در عقـد کتابـت شـرط مـی کنـد لازم الاجـراء اسـت مـادامی کـه مخـالف کتـاب و سـنت نباشد(همان،۱۰۰/۳)؛ انگشتر به دست کردن در حال احرام برای زینت حـرام اسـت، امـا بـرای سنت جایز است(همان،۲۲۵/۱)؛ شستن دستها و صورت در وضو برای بار دوم سـنت و بـرای بار سوم بدعت است(همان،۱۵/۱)؛ کسی که مناسك حج خویش را انجـام داده چـون بـه مکـه بازگشت، داخل شدن در کعبه از سنت است(همان،۲۵۲/۱)؛ ترک منـدوبات مخـل بـه عـدالت نیست مگر این که موهم تهاون و سستی در پایبندی به سنن شود(همان،۱۱۶/۴).

سنت در موارد یاد شده مرادف با سیره به کار رفته است و معنای عام آن کـه همسـویی بـا دستورات دینی و احکام الهی در همه شقوق آن است مراد شده است.

دوم؛ معنای مرادف با مستحب. واژه سنت در مواردی تنها بـر مسـتحبات انصـراف یافتـه است. محقق حلی در این موارد پس از بر شماری واجبات هر رفتاری، به سنن آن اشاره کـرده که با توجه به سیاق عبارات مراد رفتارهای استحبابی اسـت و تعبیـر «سـنن» در ایـن مـوارد در برابر «فروض» قرار می گیرد(همان، ۳۴/۱). محقق در مواردی چون سـنن وضـوء(همان،۱۵/۱)، سـنن غسـل(همان، ۲۰/۱)، سـنن غسـل میـت، نمـاز و دفـن میت(همـان،۹۶/۱،۳۰)، سـنن ولادت(همان، ۲۸۷/۲)، سـنن نمـاز عیـدین(همان،۹۰/۱)، آداب تخلی(همـان،۱۱/۱)، ابتـدا بـه واجبات این موارد پرداخته و در ادامه سنت ها را بیان مـی کنـد کـه سـنت هـا در ایـن مـوارد مرادف مستحبات است.

۱-۲.کاربرد سیره نزد محقق حلی

محقق حلی در آثار خویش در هیچ موردی با تعبیر «سـیره» بـه بیـان سـیره رسـول خـدا (ص) نپرداخته و بدان استناد نکرده است و تنها یک بار از واژه «سیره» برای بیان سیره امام علـی (ع)

۱.از نظر فقها طلاق به دو قسم طلاق بدعت و طلاق سنت تقسیم می شود. طلاق بدعت طلاقی است که خـلاف شـرایط مقـرر در شـریعت انجام گرفته باشد که در این صورت، طلاق باطل است مثل طلاق زن حائض. در مقابل آن طلاق سنت طلاقـی اسـت کـه مطـابق مقـررات و رعایت کامل شرایط شرعی انجام شده باشد که شامل طلاق عده، بائن و رجعی می شود.(رک:نجفي، *جواهر الکلام*، ۳۲/ ۱۱۶).

(قیل نعم عملا بسیرة علی ع) بهره برده است(محقق حلی، *شرایع*،۳۰۸/۱) و بار دیگر برای بیان برتری امام علی (ع) به مطالعه کتابهای سیره (فمطالعة السیر تحققها) ارجاع داده است (همو، *المسلک*، ۲۶۳)، اما با تعابیر دیگری به بیان سیره پیامبر پرداخته است، مانند: ان النبی جعل فی الآبق دینارا(همو، *شرایع*،۱۲۷/۳)، کما اقطع النبی الدور(همان،۲۱۸/۳)، کما قطع النبی سارق مئزر(همان،۱۶۲/۴)، ان النبی کان یحبس فی تهمة الدم(همان،۲۱۲/۴)، کما دخل النبی عام الفتح و علیه مغفر(همان،۲۲۷/۱)، لأن النبی کان یقنع بإظهار کلمة الإسلام (همو، *الرسائل التسع*، ۲۹۲)، لأن النبی کتب الی قیصر آیة فی کتابه الیه (همو، *المعتبر*، ۲۳۴/۱)، کان النبی إذا توضأ أدار الماء الی مرفقیه (همان، ۱۴۳/۱).

۲.روش محقق حلی در استناد به سیره

با بررسی موارد یاد شده از سیره و رفتار پیامبر در آثار محقق حلی، می توان استناد او به سیره پیامبر را در سه مرحله: مرحله ثبوت، مرحله اثبات و مرحله ناظر بر موضوع به شرح زیر دانست:

۲-۱. روش در مرحله ثبوت

مراد از مرحله ثبوت، بررسیهای معطوف به اصل صدور رفتار و جهت صدور آن است و مسائلی چون زمان، مکان، کیفیت،زمینه و شرایط رفتار در این مرحله پی گیری می شود. فقها در استناد به سیره پیامبر و معصومان و استنباط حکم شرعی و تعمیم آن به مکلفان، نیازمند دست یابی به کنه فعل و رفتار معصومان هستند و در مواجهه با هر سیره و رفتاری که از پیامبر گزارش شده، پرسش های سه گانه زیر را مد نظر قرار می دهند:

-آیا این رفتار از رسول خدا سر زده است؟

-چنان چه این رفتار از پیامبر صادر شده، آیا مربوط به موقعیت خاصی بوده و آیا در صدد بیان حکم الهی بوده است یا نه؟

-دلالت آن به چه میزان است، آیا توانایی آنچه ادعا می شودرا دارد ؟

۲-۱-۱. صدور رفتار

فقیه در گام نخست، در باب اصل رفتار گزارش شده بحث می کند و در صدد به دست آوردن رفتار بدان گونه که رخ داده بر می آید. برای دست یابی به سیره پیامبر، دو دانش کمک

کار فقیه است. دانش «سیره و حدیث»که در بر دارنده گزارشهای مربوط به رفتار رسول خدا هستند و دانش کلام که ابزارها و قواعد کلامی را برای گزینش یا رد اخبار در اختیار وی قرار می دهد.

ملاحظات کلی مورد نظر در مرحله اثبات صدور رفتار می تواند کلیاتی همچون معقول بودن رفتار و مخالف نبودن آن با کلیت سیره رسول خدا باشد. محقق حلی آنچه مخالف عادت و روش پیامبر است را نمی پذیرد که نمونه آن سیره پیامبر در پرهیز از نجاسات است. او با این قاعده کلی خبری را که نشان دهنده بی مبالاتی پیامبر در موضوع نجاسات استرد می کند. محقق خبری را نقل می کند که بر اساس آن پیامبر از «چاه بضاعه» در شهر مدینه که آلوده به کثافات و نجاست بوده تطهیر می کرده است، این روایت را با توجه به پرهیز پیامبر از مکروهات و نجاسات که رفتار رایج پیامبر بوده، نمی پذیرد (همو، *الرسائل التسع*، ۲۲۶).

۲-۱-۲. وجه رفتار و جهت صدور

الف. مقام تشریع و بیان حکم.رفتارهای رسول خدا (ص) دارای احکام متفاوتی از قبیل وجوب واستحباب بوده است و آنچه به عنوان سیره و فعل پیامبر (ص) در کتابها گزارش می شود، در موارد بسیاری مشخص نیست دارای کدام حکم بوده و یا معلوم نیست که قصد پیامبر در انجام فعل،بیان حکم الهی بوده است یا نه. از نظر محقق حلی در این شرایط نمی توان به وجوب یا استحباب رفتاری حکم کرد و لازم است در این موارد توقف نمود (همو، *معارج الاصول*، ۱۷۰). از نظر محقق تبعیت و پیروی از رفتار پیامبر در صورتی لازم است که وجه آن مشخص شده باشد (همو، *المعتبر*، ۲۸).از باب نمونه او در باره پاک بودن محل نمازگزار به روایتی اشاره می کند که بر اساس آن رسول خدا چون با نعلین آلوده در حال نماز خواندن بود، جبرئیل او را آگاه کرد و پیامبر نیز نعلین خود را در آورد[۱]. محقق در باره این خبر اظهار می کند در صورتی ملزم به پیروی از این رفتار هستیم که بدانیم وجه فعل رسول خدا چه بوده است. او احتمال می دهد پیامبر این رفتار را نه از باب وجوب بلکه برای احتیاط و پرهیز انجام داده باشد (همان، ۴۳۲/۱). در مورد دیگر نیز در باره وجوب نشستن و استراحت امام جمعه میان دو خطبه، علی رغم این که برخی به وجوب آن بر اساس فعل پیامبر فتوی داده اند، محقق در آن تردید کرده و معتقد است همان گونه که می توان از فعل پیامبر تکلیف را

۱. انه علیه السلام خلع نعلیه في الصلاة حین أخبره جبرئیل ان فیهما قذرا.

برداشت کرد، می توان احتمال داد که پیامبر برای استراحت و نه برای تعبد چنین رفتاری کـرده باشد و چون وجه فعل رسول خدا در این زمینه روشن نیست، پیروی از این رفتار نیـز واجـب نیست (همان، ۲۸۵/۲). در موارد دیگری همچون نشستن میان دو سجده (جلسه استراحت) در نماز نیز از همین قاعده استفاده کرده و علی رغم این که برخی به وجوب آن فتوی داده اند، اما برای محقق چون وجه رفتار پیامبر در این مورد مشخص نشده، فتوی به وجوب نـداده و تنهـا آن را مستحب دانسته است (همان، ۲۱۶/۲).

ب.دامنه رفتار.مواردی که از اختصاصات پیامبر بوده قابل تسری به دیگران نیسـت و نمـی تواند پایه حکم شرعی برای دیگران قرار گیرد. محقق حلی در باب صـفات و شـرایط قاضـی، ابتدا در باره توانایی قاضی بر نوشتن تردید کرده و اظهار داشته که پیامبر نیز که ریاست عامه را عهده دار بود در ابتدای کار خویش آشنای به نوشتن نبود، اما در ادامه این مـورد را از ویژگیهـا و اختصاصات مربوط به پیامبر دانسته که قابل تسری به دیگـران نیسـت. بنـابر ایـن از نظـر او قاضی باید آشنای به کتابت و نوشتن باشد(همو، *شرایع*،۵۹/۴) همچنـین شـافعی بـا اسـتناد بـه خبری که اظهار می دارد پیامبر نشسته نماز خواند در حالی که مردم به او ایستاده اقتدا کردنـد، فتوا به جواز امامت جالس بر مأمومین قـائم داده اسـت، امـا محقـق حلـی آن را نپذیرفتـه و از اختصاصات پیامبر دانسته است (همو، *المعتبر*، ۴۳۷/۲).

محقق در کتاب *شرایع*عنوانی را به اختصاصات پیامبر ویژه کـرده و احکـامی کـه انحصـارا برای پیامبر تشریع شده است را در دو بخش بدین شرح آورده است:

یک. اختصاصات پیامبر در امر ازدواج که شامل موارد زیر می شود: ۱.جواز ازدواج با بیش از چهار زن به عقد دائم۲.جواز اجرای عقد ازدواج به لفظ هبه که در این صورت مهر نیـز لازم نیست۳.آزادی همسران ایشان در انتخاب پیامبر یا جدا شدن از وی ۴.حرمت ازدواج با کنیـزان به واسطه عقد ۵.حرمت استبدال همسران، طلاق به شـرط ازدواج بـا دیگـری ۶.تحـریم اولیـه افزایش بر همسران موجود و نسخ آن با آیـه: إناأحللنالـ ک أزواجـ ک اللاتـ ی آتیـت أجـورهن[۱] ۷.حرمت ازدواج همسران آن حضرت با دیگران.

دو. اختصاصات پیامبر در اموری غیر از ازدواج: ۱.وجوب مسواك زدن ۲.وجوب نماز شب ۳.وجوب قربانی کردن در عید قربان ۴.وجوب شب زنده داری ۵.حرمـت اسـتفاده از صـدقات

۱.احزاب، ۵۰: «ای پیامبر! ما همسران تو را کهمهرشان را پرداخته ای برای تو حلال کردیم...».

واجبه ۶.حرمت خیانت چشم ۷.اباحه اتصال در روزه داری، بدون افطار در بین آن ۸.خواب چشم بدون خواب قلب۹.دیدن پشت سر همانند دیدن از روبرو(همو، *شرایع*،۲۱۵/۲).

ورود مبسوط محقق حلی به بحث خصائص النبی با توجه به عدم کاربرد عمومی آن و نیز با توجه به شیوه اختصار نویسی کتاب *شرایع* که در مقدمه کتاب بدان تصریح شده(همان،۲/۱)، می تواند نشانگر توجه محقق حلی به زوایای سیره پیامبر بوده باشد و نشان دهد که محقق در موارد دیگر نیز علی رغم این که در فتاوای خود به صراحت به سیره پیامبر استناد نداده است، اما بدان توجه داشته است. ضمن آن که یاد آوری گسترده این موارد تاکیدی است بر مبنای محقق بر این که دستورات دینی شامل همه افراد نیست و پیش از بیان تکلیف، مخاطب و مورد دستور باید شناسایی گردد.

ج.زمینه و شرایط رفتار. محقق نمونه های خاص تاریخی را به موارد دیگر تعمیم نداده و حکم کلی ارائه نکرده است. وی در کتاب *شرایع الاسلام*(۲۸۵/۱، ۲۳۶/۴-۲۳۷،۲۴۲)با تعبیر «قضية فی واقعة» و در کتاب *المعتبر*(۲۶۱/۱، ۳۳۹، ۴۱۲، ۴۳۴، ۴۵۷؛ ۷۲۰/۲،۶۸۷، ۷۶۳) با تعبیر «حکایه حال» یا «حکایه فعل» مواردی از سیره رسول خدا را برشمرده و اظهار می کند سیره معصوم در این موارد مربوط به همان مورد خاص بوده و به سایر موارد تعدی نکرده و عمومیت نمی یابد. چون احکام جواز امان دادن مسلمان به اهل حرب را بیان می کند، اظهار می کند که یک مسلمان نمی تواند در جنگ به همه اهالی يك روستا یا قلعه امان دهد و امان او تنها برای جمع محدودی نافذ است. وی می گوید برخی[۱] جواز امان به یک روستا یا دژ را با توجه به رفتار امام علی (ع) که اجازه چنین کاری را به کسی داد، تجویز کرده اند، محقق این نظر را نپذیرفته و می گوید این مورد «قضیه ای در واقعه ای» است که به موارد دیگر تعدی نمی کند(همو، *شرایع*،۲۸۵/۱). در مورد دیگر که امام علی (ع) در باره چهار نفر مست، که به جان هم افتاده و دو نفر آنها کشته شده و دو نفر مجروح شده اند، دیه مقتولین را بر عهده مجروحین قرار داده است که محقق با توجه به روایت دیگری از امام صادق (ع)(رک: حر عاملی، *وسایل الشیعه*، ۲۹/ ۲۳۴) که دیه مجروحین را به عهده قبایل هر چهار نفر می داند، اظهار می کند محتمل است امام علی(ع) در آن حادثه خاص بر چیزی دست یافته بوده که چنین حکم کرده است(همو، *شرایع* ،۲۳۶/۴؛ همو، *المختصر النافع*، ۳۰۵/۲).

۱.منظور محقق حلی، شیخ طوسی بوده است. رک:*المبسوط فی فقه الامامیه*، ۱۴/۲.

محقق حلی با همین دیدگاه و رویکرد در باب سیره رسول خدا، از صدور فتوا برای جواز دخول مرد جنگی به مکه بدون احرام امتناع کرده است. وی احرام را برای کسی که تصمیم به ورود مکه دارد واجب شمرده است و برخی چون شیخ طوسی (*المبسوط*، ۳۶۱/۱) مرد جنگی را به استناد ورود بدون احرام پیامبر به مکه در حادثه فتح مکه استثنا کرده اند(محقق حلی، *شرایع*،۲۲۷/۱). این استثنا مورد تایید نهایی محقق قرار نمی گیرد، زیرا این سیره برای محقق اطمینان آور نبوده و او محتملا این را نه به عنوان سیره بلکه به عنوان موقعیتی خاص برای پیامبر تحلیل می کرده است. همچنین در باب لزوم تکتف در نماز (دست راست را بر روی چپ نهادن) که اهل سنت بدان پایبند هستند، از ابن مسعود روایتی را نقل می کند که بنابر آن وی در نماز به جای گذاشتن دست راست بر روی دست چپ، دست چپش را بر روی دست راست گذاشته بود، پیامبر که چنین دید، دستان او را جابجا کرد. محقق حلی این گزارش را مربوط به مورد خاص که عمومیت نداشته می داند و از آن استنباط حکم کلی نمی کند (همو، *معتبر*، ۲۵۸/۲).چنان که خواندن نماز بر میت غائب را جایز نمی داند و نماز خواندن پیامبر در مدینه بر نجاشی که در حبشه در گذشته بود را موردی خاص دانسته که نمی تواند عمومیت یابد (همان، ۳۵۲/۲). در موارد دیگری نیز با همین مبنا رفتار پیامبر را مربوط به مورد خاص دانسته و صلاحیت تعمیم به دیگران را در آن ندیده است (رک: محقق حلی، *الرسائل التسع*، ۱۴۷؛ همو، *المختصر النافع*، ۲۸۵/۲؛ همو، *المعتبر*، ۳۹۶/۲).

در تمام موارد یاد شده زمینه بهره گیری فقهی از سیره پیامبر به دو جهت فراهم نشده است، از یک سو باب احتمالات برای تحلیل رفتار انجام دهنده کار باز بوده که محقق از این حالت تعبیر به «حکایت فعل» و «حکایت حال» کرده است و از سوی دیگر مورد خاص و دارای شرایط و ویژگیهایی بوده است که خود اقدام کننده بر این موارد اشراف داشته که محقق از این موارد با تعبیر «قضیه فی واقعه» یاد کرده است.

۲-۲. روش در مرحله اثبات

مرحله اثبات ناظر به گزارش سیره و راویان آن و برداشتی است که از یک سخن یا رفتار می شود. در این مرحله فارغ از آنچه رخ داده، فقیه در پی بررسی نوع خبر و ناقلان آن و برداشتی است که از رفتار شده است. مباحث مربوط به اثبات را در دو مرحله «گزارش سیره» و مرحله «دلالت سیره» پی می‌گیریم.

۲-۲-۱. مرحله گزارش سیره

آنچه از سیره پیامبر در اختیار است گزارشهایی است که توسط ناقلان اخبار و راویان سیره گزارش شده است و گرایشهای آنان و ملاحظاتشان در نوع گزارشها تاثیر داشته است. در این زمینه موارد زیر مورد توجه محقق قرار گرفته است:

الف. بی اعتباری خبر واحد[1] در امور عام البلـوی. عنوان و واژه «سیره» در بر دارنده تکرار و فراگیری آن است. چنان چه رفتاری از پیامبر در جمع انبوهی و یا بارها سر زده باشد قاعدتا باید عده قابل توجهی آن را دیده و گزارش کرده باشند و این گونه رفتارها چون در منظر عموم بوده باید انتظار داشت که از سوی تعداد قابل توجهی نقل و ثبت شده باشد. از این رو در مسائل عمومی زمان پیامبر که به میان توده مردم راه یافته و وظایفی چون واجب و حرام را بر دوششان نهاده، محقق حلی خبر واحد را نپذیرفته و آن را برای اثبات وجوب یا حرمت رفتار، کافی ندانسته است(همو، *الرسائل التسع*،۱۷۸؛ همو، *المعتبر*، ۳۹۶/۲). نمونه این امور ازدواج متعه است، بر اساس روایتی که از سبرة بن معبدجهنی نقل شده رسول خدا(ص) متعه را در حجه الوداع حرام کرده است. محقق حلی، این روایت را خبر واحدی می داند که نمی تواند به مقابله امری که میان مردم رواج داشته برخیزد (همو، *الرسائل التسع*، ۱۷۱) و معتقد است اگر چنین حادثه ای رخ داده بود، نه یك یا دو خبر بلکه باید اخبار زیادی از سوی ناقلان مختلف گزارش می شد (همو، *المعتبر*، ۳۵۳/۲). در باب آب مذی[2] نیز فتوی به طهارت آن داده و خبر منقول از سهل بن حنیف که اظهار می کند پیامبر دستور پاشیدن آب به لباس آغشته به آب مذی را داد، دال بر نجس بودن آن نمی داند و می گوید این مسئله عام البلوایی بوده و اگر دستوری از پیامبر بر نجاست آن صادر شده بود نباید صحابیی چون ابن عباس از آن اظهار بی اطلاعی می کرد (همان، ۴۱۸/۱). در باب نماز وتر (نماز شب) نیز که ابوحنیفه با استناد به دو روایت از پیامبر واجب دانسته، معتقد است این اخبار نمی تواند مسئله ای را که به زعم او واجب و فراگیر است، ثابت نماید و تنها می تواند استحباب آن را برساند(همان، ۱۲/۲). محقق در موارد دیگری که برخی با استناد به اخبار واحد در صدد اثبات واجبی یا برداشتن واجبی از مکلفان برآمده اند را نمی پذیرد و اثبات این موارد را با توجه به فراگیر بودن آن که پای

۱.خبر واحد، خبری است که به حد تواتر و اشتهار نرسیده و اجماعی بر قبول آن حاصل نشده است گرچه راوی آن بیش از یک نفر باشد (عثمان، ۹).

۲.آب سفید رنگی که بدون جهش و هنگام ملاعبه از انسان خارج می شود (سعدی ابوحبیب، ۳۳۷).

مکلفان زیادی را به میان می آورد، نیازمند ادله دیگر می داند. نقل تشهد نماز با افزوده هایی (همان، ۲۲۴/۲)، گفتن «الصلاة خیر من النوم» در اذان نماز صبح (همان، ۱۴۵/۲) ومعافیت از پرداخت زکات در صورت داشتن قرض (همان، ۵۴۲/۲)، از نمونه های دیگری است که محقق بر اساس همین قاعده آنها را نمی پذیرد.

ب. اعتبار سیره منقول از سوی ائمه(ع). گزارش سیره پیامبر در صورتی که از مسیر خاصی نقل شده باشد می تواند اعتماد محقق را جلب کند. محقق حلی در مواردی که سیره رسول خدا (ص) از طریق ائمه (ع) نقل شده باشد را مورد استناد قرار داده و بر اساس آن فتوا می دهد و در مواردی که روایات از طریق ائمه نقل نشده باشد توقف می کند (همان، ۴۶۴/۲).

برای نمونه در کیفیت نماز میت از امام صادق(ع) روایتی[۱] می آورد که در آن طریقه اقامه نماز میت توسط پیامبر (ص) بیان شده است. محقق با توجه به سیره و رفتار پیامبر در نماز میت اظهار می دارد که دعا بین تکبیرهای پنجگانه نماز میت با الفاظ خاص واجب نیست زیرا که در این مورد هیچ دعای مخصوصی از پیامبر نرسیده است(همو، *شرایع*، ۹۶/۱).

همچنین در مورد احکام جعاله، در صورتی که میزان جعل مشخص و تعیین نشده باشد، معادل اجرة المثل پرداخت می شود جز در مورد بنده فراری که در این زمینه سیره ای از رسول خدا (ص) ثبت شده است که از طریق ائمه گزارش شده است. بنابر روایتی از امام صادق (رک: طوسی، *تهذیب الاحکام*، ۳۹۸/۶)، که مورد استناد محقق حلی قرار گرفته، پیامبر(ص) در مورد بنده فراری چنان که در شهر خود دستگیر شود یک دینار و چنانچه در شهر دیگری به دام افتد چهار دینار مشخص کرده است(محقق حلی،*شرایع*،۱۲۷/۳).

در مواردی که سیره منسوب به رسول خدا توسط ائمه(ع) تکرار و مورد تایید آنان قرار گرفته باشد، اطمینان محقق جلب شده و بدان فتوا می دهد. نمونه آن در مبحث قضاوت است که قاضی می تواند بر اساس قسم مدعی و وجود شاهد حکم نماید، محقق حلی صحت این گونه حکم را بر گرفته از سیره پیامبر و امام علی (ع) در قضاوت ذکر می کند(همان،۸۳/۴).

البته او به مواردی از سیره پیامبر که از طریق اهل بیت نقل شده، اما دارای شرایط دیگر

---

۱. علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن محمد بن مهاجر، عن أمه أم سلمة، قالت:سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: «كان رسول الله صلى الله عليه و آله إذا صلى على ميت، كبر و تشهد ، ثم كبر، ثم صلى على الأنبياء و دعا، ثم كبر و دعا للمؤمنين، ثم كبر الرابعة و دعا للميت، ثم كبر و انصرف، فلما نهاه الله- عز و جل- عن الصلاة على المنافقين ، كبر و تشهد ، ثم كبر و صلى على النبيين- صلى الله عليهم-، ثم كبر و دعا للمؤمنين، ثم كبر الرابعة و انصرف، و لم يدع للميت» (کلینی، *کافی*،۴۶۷/۵).

پذیرش خبر نیست، اعتماد نکرده و در این موارد به ویژه مباحث سندی را مورد ملاحظه جدی قرار داده است. محقق در باره حبس متهم به تقاضای ولی دم، اظهار تردید می کند و می گوید مستند جواز، روایتی از سکونی از امام صادق (رک:کلینی، *کافی*، ۵۳۴/۱۴) است که سیره پیامبر را در این زمینه حبس متهم به مدت شش روز می داند، اما محقق به این روایت و سیره اعتنایی نمی کند زیرا سکونی را ضعیف دانسته(محقق حلی، *شرایع*،۲۱۲/۴) و سیره پیامبر با اتکای تنها به این روایت برای وی اثبات نمی شود.

ج. رجحان قول بر عمل. محقق چنان که رفتار و سیره ای از پیامبر نقل شده باشد و سخن دیگری نیز در همان موضوع از پیامبر رسیده باشد، سخن را بر رفتار مقدم می کند؛ زیرا که شرایط ارزیابی در مقوله سخن استوارتر و شفاف تر از شرایط پذیرش سیره که از نوع فعل است می باشد. بنابر این، قول معصوم را که صراحت در بیان موضوعی دارد ارجح از عمل ایشان می داند که قابل تفسیر به انحای مختلف است و استناد به آن منوط به دستیابی به موضوعات دشوار و پنهانی چون آگاهی از شرایط انجام رفتار و احراز نیت و قصد است. محقق حلی بیش از ده بار از این قاعده در کتاب *المعتبر*(۱۷۱/۱،۱۲۴،۱۲۳، ۲۹۴، ۳۱۴، ۳۳۴، ۴۶۳؛ ۸۳،۲۱۱،۴۰۳،۷۴۶/۲) بهره برده است. یکی از نمونه ها در باب دفن شهید در لباس خویش است. بر اساس اخبار، رسول خدا حمزه، عموی خویش را که در جنگ احد به شهادت رسیده و از سوی دشمن عریان شده بود، کفن کرده و دفن نمود. این عمل معارض با سخنی از رسول خدا است که فرمود: شهدا در لباس خویش و بدون کفن دفن شوند. محقق حلی سخن پیامبر را در این مورد مقدم و ارجح بر فعل پیامبر دانسته و بر همان فتوا می دهد (همان،۳۱۴/۱). در مورد دیگر، عبد الله بن عمر نقل کرده که رسول خدا را در تشیع جنازه دیده که پیشاپیش تابوت حرکت می کرده است، از سوی دیگر سخنی از پیامبر نقل شده که سفارش به حرکت پشت جنازه کرده است، محقق حلی در این مورد سخن را بر رفتار مقدم کرده است (همان، ۲۹۴/۱). همچنین برخی سهو پیامبر در نماز را گزارش کرده اند و از سوی دیگر روایتی از امام صادق (ع) حاکی از آن است که رسول خدا (ص) هیچ گاه در نماز سهو نکرده است، محقق حلی آنچه در باره سهو پیامبر گزارش شده را حکایت حالی می داند که برابری با سخن امام که تصریح بر عدم سهو پیامبر است نمی کند، بنابر این قول را مقدم می نماید (همان، ۴۰۳/۲).

د. قواعد رجحان اخبار سیره. محقق حلی در بررسیهای مربوط به نوع خبر و سندآن، قواعدی را یاد می کند که نشانگر منطق گزینش وی است. او در پذیرش اخبار سیره نبوی و رجحان خبری بر خبر دیگر، ملاکهای زیر را در نظر می گیرد:

تاریخ صدور روایت. چنانچه دو خبری که از رسول خدا در باره موضوع خاصی صادر شده در تعارض باشند، اگر تاریخ صدور آنها مشخص باشد، خبری که متاخر است پذیرفته می شود و چنان که تاریخ صدور مشخص نباشد، هر دو کنار گذاشته و توقف می شود، زیرا که با ندانستن تاریخ، هر یک از آن اخبار ممکن است ناسخ دیگری باشد (همو، *معارج الاصول* ۲۲۵). همچنین روایت خاص بر روایت عام مقدم می شود چه تاریخ آن مشخص باشد و یا نباشد(همو، *الرسائل التسع*، ۲۱۹؛ همو، *المعتبر*، ۴۹/۱).

نوع خبر.خبر واحد نمی تواند با خبری که در حد تواتر است، مقابله کند (همو، *الرسائل التسع*، ۲۲۴).

شیوه انتقال خبر. کثرت نقل یک خبر از مرجحات آن خبر بر موارد دیگر است (همو، *المعتبر*، ۲۵۴/۱؛ همو، *الرسائل التسع*، ۱۷۸).چنان که خبر مشهور بر خبر شاذ،ترجیح دارد (همو، *الرسائل التسع*، ۲۲۰) و حتی شهرت روایت می تواند ضعف سند آن را جبران نماید (همو، *المعتبر*، ۶۱/۱).

همچنین وجود روایت در کتب اصحاب امامیه، قرینه ای بر صحت آن است (همو، *الرسائل التسع*، ۵۸). چنان که فتوای اصحاب امامیه با تکیه بر خبری، موجب جبران ضعف سندی خواهد شد (همو، *المعتبر*، ۱۰۱/۱) و عمل اصحاب بر اساس آن خبر نیز می تواند موید صحت آن خبر باشد (همو، *المعتبر*، ۱۲۸/۱).

سند خبر.روایت دارای سند متصل بر روایت مرسل مقدم است (همو، *الرسائل التسع*، ۵۹).وجود راویان با گرایش های مذهبی متفاوت چون فطحی، واقفی و عامی در سند روایت موجب تضعیف آن است (همو، *المعتبر*، ۵۸/۱). مگر آن که راوی، مشهور به صدق باشد، در این صورت مذهبش، روایتش را قدح نمی کند چنان که محقق حلی در باره سکونی که از عامه است در جایی چنین نظر داده است (همو، *الرسائل التسع*، ۶۵).

روایت نقل شده از طریق جمهور مخدوش است (همان، ۲۱۹). ولی روایتی با همان محتوا از طریق اهل بیت، مورد پذیرش است (همو، *المعتبر*، ۴۰/۱).

۲-۲-۲. مرحله دلالت سیره

در این مرحله برداشتهایی که از «سیره گزارش شده» صورت گرفته مورد بررسی قرار می گیرد. قواعد اصولی مربوط به الفاظ (اوامر و نواهی، عموم و خصوص، مطلق و مقید) بیشترین سهم را در این زمینه ایفا می کند. برخی قواعد به کار گرفته شده و نمونه ها به شرح زیر است:

الف. ناسازگاری احتمال با دلالت: دلالت سخن یا فعل در صورتی تمام است که احتمالات دیگر درمیان نباشد و چنانچه احتمال دیگری به میان آید، نمی توان دلالت مورد نظر را قطعی پنداشت. از باب نمونه برخی فقهاء رعایت حق قسم را با استناد به آیه: ترجی من تشاء منهن و تؤوی إلیک من تشاء...[1]، برای پیامبر لازم ندانسته اند، محقق حلی این نظر را صائب نمی داند و می گوید احتمال دارد آیه تنها مربوط به زنانی باشد که خود را بـه پیـامبر بخشـیده انـد و بـا آمدن احتمال، دلالت پا بر جا نخواهد ماند (همو، *شرایع*، ۲۱۶/۲). در باره مسح پا یا شستن آن در وضو که مورد اختلاف میان شیعیان و اهل سنت است، با آوردن گزارشی از امام علی(ع) که وضوی پیامبر با مسح پا (نه شستن آن) را توصیف می کند، اظهار می کند چون احتمال در ایـن زمینه به میان آمد، استدلال رخت بر خواهد بست (همو، *الرسائل التسع*، ۹۰).

ب. بررسی دلالت واژه. محقق از دریچه بررسی واژه های روایت بـه ارزیـابی دلالـت آنهـا توجه کرده است. برای نمونه در باب عمق قبری که برای میت حفر می شود، شافعی با اسـتناد به روایتی از پیامبر (احفروا و أوسعوا و اعمقوا)، مقدار آن را به اندازه قامت انسان دانسته است. محقق حلی با تکیه بر واژه «عمق» که در سخن رسول خدا به کار رفته، مقـدار آن را مشـخص ندانسته و اظهار کرده چنانچه مسمای عمق که کمتر از قامت انسان است، حاصل شـود کفایـت می کند (همو، *المعتبر*، ۱۹۵/۱).

ج. میزان دلالت رفتار. چنانچه رسول خدا کاری انجام داد بدون وجـود قـرائن دسـت کـم دلالت بر اباحه و عدم حرمت آن می کند و در صورتی که از کاری صرف نظر کرد دست کـم بر واجب نبودن آن دلالت می کند. سکوت و عدم انکار وی نیز دلالت بر جواز آن کار می کند مشروط بر آن که رسول خدا از آن کار اطلاع یافته باشد (همان، ۲۹/۱). دو نمونه در ایـن بـاب چنین است: شافعی نماز گزاردن بدون طهارت هنگام یافت نشدن آب را تجویز کرده و در این

۱.احزاب، ۵۱: «بر تو رواست که نوبت همبستری با هر یک از همسرانت را که بخواهی به تاخیر افکنی و هر کدام را که بخـواهی بـه سـوی خود فراخوانی....».

زمینه به رفتار رسول خدا در غزوه بنو مصطلق استناد کرده است. پیامبر در غـزوه بنـو مصـطلق عده ای را برای یافتن گردنبند گمشده عایشه فرستاد، آنان وقت نماز آب نیافته و بدون وضـوء نماز گزاردند و چون نزد پیامبر آمدند، آن حضرت نیز انکاری نکرد و پس از آن آیه تیمم نـازل شد. محقق حلی بر خلاف شافعی،عدم انکار رسـول خـدا (ص) را نپذیرفتـه و گفتـه گـزارش نشدن رفتار رسول خدا، دلیل بر نبودن آن نیست، زیرا که درگیران حادثه یاد شده افـراد انـدکی بوده اند و ممکن است رفتار رسول خدا پنهان مانده یا این که شاهدان انگیزه کـافی بـرای نقـل آن نداشته اند، ضمن آن که عدم انکار، دلالتی بر سفارش بر آن رفتار نیست چنان که دلالتی بـر وجوب یا استحباب آن رفتار نیز نمی کند (همان، ۳۸۰/۱).

نمونه دیگر در باره نماز کسوف است، ابوحنیفه گفته این نماز به اخفات خوانـده شـود نـه جهر، استناد او نیز به روایتی از سمره بن جندب است که می گوید رسول خـدا نمـاز کسـوف خواند و من صدایی از او نشنیدم. محقق استناد به این حدیث را نمـی پـذیرد زیـرا کـه معتقـد است نشنیدن صدای پیامبر دلالت نمی کند بر این که نماز کسوف طوری خوانده شود که صدا شنیده نشود (همان، ۳۳۹/۲).

د. استناد به عمومات. در مواردی محقق به قواعد کلی برگرفته از قرآن و سنت اسـتناد مـی کند. برای نمونه هر کشته شده ای که در غیر معرکه جنگ جان باخته باید غسل و کفـن شـود، علی رغم این که پیامبر در سخنان خویش کسی که به دفاع از مالش برخاسته و کشـته شـده را به منزله شهید دانسته و حسن بصری زنی که در ایام نفـاس درگذشـته را شـهید قلمـداد کـرده است، اما محقق حلی معتقد است تعابیر پیامبر در این موارد مبالغه در عاقبت نیک آنان اسـت و با توجه به عمومات مربوط به وجوب غسل میـت، غیـر شـهید معرکـه بایـد غسـل داده شـود (همان، ۳۱۲/۱).

۲-۳. روش معطوف به موضوع

با توجه به موضوعی که مورد پی گیری سنت و یا سیره است، روش محقق در مرحله ثبوت یـا اثبات سیره معصوم قابلیت انعطاف یا سخت گیری بیشتری از خود نشان مـی دهـد. محقـق در احکام عبادی در زمینه وجوب، استحباب و کراهت گاه حکم به تخییر می دهدو در بـاره روش اجرای برخی عبادات و احکام به یک روش اکتفا نمی کند و روش دیگری که متکی بـه سـیره پیامبر است را نیز پیشنهاد می دهد (رک.*شرایع*، ۹۶/۱ و ۱۱۹/۱)، اما در امور مربوط بـه جـان و

نفس سخت گیری بیشتری نموده و براحتی سیره پیامبر(ص) را نمی پذیرد (رک:*همان*، ۱۶۲/۴). روش محقق حلی در احکام مربوط به مستحب یا واجب؛ احکام مربوط به مال یا جان؛ احکام مربوط به حق الله یا حق الناس و تشخیص مصادیق و روشها، یکسان نیست و دارای تفاوتهایی به شرح زیر است:

۲-۳-۱. احکام مستحب، مکروه. در این مورد به بررسیهای تفصیلی نپرداخته و با توجه به قاعده تسامح در ادله سنن[۱]، به اعلام حکم اکتفا کرده است.

۲-۳-۲. احکام واجب، حرام.در واجبات و محرمات سخت گیری بیشتری برای رسیدن به حکم معمول می دارد و تا ادله کافی در این زمینه نیابد، حکم به وجوب نمی دهد. از باب نمونه مالک بن انس فتوی به وجوب غسل برای کافرانی که به اسلام در می آیند داده است. محقق وجوب آن را نپذیرفته و به استحباب آن رای می دهد. استدلال وی چنین است که در عصر پیامبر عده زیادی به اسلام در آمدند، اما هیچ نقلی در اختیار نیست که پیامبر به آنان دستور غسل داده باشد، از نظر او چنانچه پیامبر چنین دستوری داده بودقاعدتا آشکار می گشت (همو، *المعتبر*، ۳۶۰/۱).

۲-۳-۳. احکام مربوط به جان. در احکامی که مربوط به خون و امور جانی است، برخورد سخت گیرانه ای در مرحله ثبوت و اثبات سیره می نماید. نمونه چنین است: از جمله شرایط قطع دست دزد، این است که دزدی وی، از مکان حفاظت شده که دارای قفل و بست است صورت گرفته باشد. دزدی از مکانهای عمومی که محل رفت آمد است و برای ورود به آن نیاز اجازه نیست، موجب قطع دست نخواهد شد. محقق اظهار می دارد: برخی دزدی در جایی که مالک کالا خود مراقب متاع خویش است را به منزله دزدی از مکان محرز می دانند که نمونه آن دزدی لباس صفوان بن امیه در مسجد الحرام است که رسول خدا در این مورد حکم به قطع دست سارق نمود(همو، *شرایع*، همان،۱۶۲/۴). محقق در این مورد تردید کرده و آن را نپذیرفته است که دلیل آن نیز عدم اثبات این سیره و یا موردی دانستن آن و مراعات احتیاط با توجه به جانی بودن موضوع است. محقق که تقیه را در موضوعاتی چون نماز و وضوء تجویز

۱.بر اساس قاعده تسامح در ادله سنن؛ در باب مستندات احکام مستحب یا مکروه سخت گیری نمی شود و با مسامحه این موارد پذیرفته می شود. در نظر موافقان این قاعده، بررسی دقیق سند روایات مشتمل بر احکام مستحب و مکروه لازم نیست و ادلة ضعیف نیز برای اثبات آن کفایت می کند. استحباب وضو برای همراه داشتن قرآن و استحباب تلقین میت را می توان از مصادیق این قاعده برشمرد (رک:شهید اول، ۳۴/۲).

می کند به تاکید یاد آور می شود که در موضوع جان و خون، راهی برای تجویز تقیه وجود ندارد (*همان*، ۳۱۲/۱؛ ۶/۲؛ *المختصر النافع*، ۱۱۵/۱).

۲-۳-۴. احکام مربوط به حق الله و حق الناس. محقق به سهولت سیره رسول خدا در امور مربوط به حق الله را می پذیرد، اما در مورد حق الناس چنین نیست. محقق اظهار می کند حاکم نباید هنگام اقرار شاهد، ورود نموده و او را از آنچه در صدد گفتنش است منصرف نماید یا او را ترغیب به گفتن نماید به ویژه در جایی که زیان دیده ای نیز وجود داشته باشد، اما در باب حقوق الهی رفتار پیامبر را مورد استناد خویش قرار می دهد که هنگام اعتراف ماعز بن مالک به زنا، رسول خدا (ص) چند بار ورود کرده و او را از اقرار صریح باز می داشت، محقق این رفتار را در زمینه حقوق الهی تجویز می کند(همو،*شرایع*،۷۰/۴).

۲-۳-۵. مصادیق و روشها. محقق حلی در یافتن مصادیق و روشهای مربوط به انجام تکالیف با نگاه تسامحی وارد می شود. از باب نمونه وی ربوی بودن معامله را در اجناسی که قابل کیل و وزن کردن باشد می داند و اصل اولیه وی نیز در مکیل یا موزون بودن اجناس، مراجعه به عصر پیامبر است، چنان که در این زمینه اطلاع متقنی در اختیار نباشد، به عرف هر شهری رجوع خواهد شد (*همان*،۳۹/۲). مراجعه به عصر پیامبر برای تشخیص مصادیق، نشانگر اعتبار سیره در تشخیص مصادیق نزد محقق حلی است. همچنین در باب روش انجام تکالیف عبادی، مراجعه او به سیره با تسامح همراه است و در این موارد ضمن بیان سیره رسول خدا (ص) حکم به تخییر و یا تردید می نماید. برای نمونه در باره روش خواندن نماز خوف دو روش را پیشنهاد می دهد. روش اول؛ این که مأمومین دو دسته شده و امام نیز برای هر دسته نماز جداگانه ای بخواند و روش دوم؛ را شیوه نماز خوف خواندن پیامبر در غزوه ذات الرقاع معرفی می کند که امام يك بار نماز می خواند، دسته اول مأمومین از آغاز نماز به او اقتدا کرده و رکعت دوم را خود به پایان می برند و در میانه نماز امام، گروه دوم مأمومین به او اقتدا می کنند. از نظر محقق حلی در نماز خوف امام جماعت مخیر است بین دو روش که یکی از آن دو روش سیره رسول خدا(ص) در غزوه ذات الرقاع است (همان،۱۱۹/۱).

نتیجه

آنچه در این بررسی مد نظر بود، دست یابی به روش محقق حلی در استناد به سیره رسول خدا

(ص) در مسیر استنباط حکم فقهی بود. محقق حلی در آثار خویش در موارد اندکی توانسته بـه سیره نقل شده از پیامبر اعتماد نموده و بر اساس آن فتوی دهد و این بـه جهـت پـی گیـری و پایبندی به روشهای اعتماد ساز در به کار گیری سیره در عرصـه ثبـوت و اثبـات بـوده اسـت. محقق با تکیه بر این روشها، بیشتر آنچه به عنوان سیره مطرح شده را مربوط به شرایط زمانی و مکانی خاص یا مربوط به موقعیت ویژه پیامبر و از اختصاصات وی دانسته که شرایط تعمیم به دیگران را نداشته و نمی تواند در بیان فتوا و حکم شـرعی مـورد اسـتفاده قـرار گیـرد. از نظـر محقق، سیره و سنت رسول خدا (ص) در صورتی که جنبه تشریعی و بیان حکم داشته باشـد و فقیه این موارد را احراز نماید، می تواند در مسیر استنباط حکم شرعی از آن بهـره بـرد، امـا بـا وجود تردیدها در دلالت و دامنه شمول سیره های منقول و همچنین ابهام در اسـناد ایـن نقلهـا، منقولات سیره قابل اعتماد نخواهد بود. با این ملاحظات سیره نبوی به جهت کاسـتی هـایی در مرحله ثبوت و پس از آن عدم گزارش صحیح در مرحله اثبـات، از منظـر وی نمـی توانـد بـه عنوان منبع معتبری برای استنباط فقهی قرار گیرد. بنابر این در ارزیابی روایات و سـیره پیـامبر، می توان دغدغه اصلی محقق حلی را مسئله «حجیت» دانست که روشهای به کار گرفته شده از سوی وی نیز برای دست یابی به همین موضوع سازماندهی شده است.

کتابشناسی

آقا بزرگ طهرانی، محمد محسن، *الذریعه الی تصانیف الشیعه*، اسماعیلیان، قم، بی تا.

ابن بابویه، محمد بن علی،*من لا یحضره الفقیه*،تحقیق غفاری، دفتر انتشارات اسلامی، قم،۱۴۱۳ ق.

تهانوی، محمدعلی بن علی،*کشاف اصطلاحات الفنـون و العلـوم*، محقـق علـی دحـروج، مکتبـه لبنـان ناشرون، بیروت، ۱۹۹۶م.

پاکتچی،احمد، «اسلام»، *دایره المعارف بزرگ اسلامی*، زیرنظر کـاظم موسـوی بجنـوردی، مرکـز دایـره المعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۷ش.

حر عاملی، *وسایل الشیعه*، موسسة آل البیت، قم، ۱۴۰۹.

سعدی ابو حبیب، *القاموس الفقهی لغة و اصطلاحا*، دار الفکر، دمشق، ۱۴۰۸ق.

شریف مرتضی، علی بن حسین موسوی، *رسائل الشریف المرتضـی*، تحقیـق سـید مهـدی رجـائی، دار القرآن الکریم، قم، ۱۴۰۵ق.

طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، *المبسوط فی فقه الإمامیه*، محقق سید محمد تقـی کشـفی، المکتبـه المرتضویه لإحیاء الآثار الجعفریه، تهران، ۱۳۸۷ ه ق.

-------------، *عدة الأصول* چاپخانه ستاره، قم، ۱۴۱۷ ه ق.

-------------، *المبسوط فی فقه الامامیه*،المکتبة المرتضویه، قم، ۱۳۸۷ ق.

-------------،*تهذیب الاحکام*، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۷ ق.

عثمان، محمود حامد، *القاموس المبین فی إصطلاحات الأصولیین*، دار الزاحم، ریاض، ۱۴۲۳ ق.

عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی، *ذکری الشیعه فی أحکام الشریعه*، مؤسسه آل البیت علـیهم السـلام، قم، ۱۴۱۹ ق.

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، *الکافی*،تحقیق دارالحدیث، دار الحدیث، قم، ۱۴۲۹ ق.

محقق حلی، نجم الدین جعفر بن حسن،*شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، محقق عبدالحسـین محمد علی بقال، مؤسسه اسماعیلیان، قم، ۱۴۰۸ ق

-------------،*الرسائل التسع*، کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی، قم،۱۴۱۳ ق.

-------------، *رسائل المحقق الحلی*، تحقیق رضا الاستادی، بوستان کتاب، قم، ۱۴۳۳ ق.

-------------، *المختصر النافع فی فقه الإمامیة*، مؤسسة المطبوعات الدینیة، قم، ۱۴۱۸ ق.

-------------، *المسلک فی اصول الدین و الرساله الماتعیـه*، مرکـز البحـوث الاسـلامیه، مشـهد مقدس، ۱۴۱۴ ق.

-------------، *المعتبر فی شرح المختصر*، مؤسسه سید الشهداء علیه السلام، قم، ۱۴۰۷ ق.

-------------،*معارج الاصول* تحقیق السید محمد حسین الرضوی الکشمیری،سرور، قـم، ۱۴۲۳ ق.

-------------، *نکت النهایه*،جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۲ ق.

مدرسی طباطبایی، حسین،*مقدمه ای بر فقه شیعه*،ترجمه محمد آصف فکرت، بنیاد پژوهشهای اسـلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۸ش.

نجفی، محمد حسن، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، محقق عباس قوچانی و علی آخوندی، دار إحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۴ ه ق.